



شماره پنجم

آذرماه

سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی (۱۳۹۱)

هفتم

متن کامل فرمایشات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
به همراه تحلیل و
اهم مطالبات



شماره پنجم

آذر ماه

سال ۱۳۹۱ (سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی)

تهیه و تدوین معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر (عجل الله فرجه)

شماره تماس:

۷۷۴۹۴۵۸-۱۲۲/۱۲۳

سایت:

v-montazar.com

پست الکترونیکی:

webmaster@v-montazar.com



«فهرست»

مقدمه

۷

دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح شجره‌ی طیبه‌ی «صالحین» ۱۳۹۱/۰۹/۰۱

۸

الف) جایگاه برجسته بسیج و بیان نکاتی برای تداوم و ارتقاء برکات بسیج

۸

۱. در زمان ما نمونه‌هایی از فداکاری‌های بزرگ عاشورا دیده شد که یکی از برجسته‌ترین مظاهر آن، شجره طیبه بسیج است

۸

۲. عیار روحیه بسیجی باید در بسیج و مجموعه‌های «صالحین»، بالا برود؛ خلوص را در مجموعه‌ی کارها تضمین کنید

۹

۳. از آفت‌هایی مثل آفتِ غرور، آفتِ تظاهر و ریاکاری نسبت به خودمان پرهیز کنیم؛ این آفات، آفات مهلکی است

۹

۴. باید به مجموعه‌هایی که پایه‌های اصلی بسیج را تشکیل می‌دهند عمق داد؛ زیرا سطحی‌نگری در اعتقاد و گزینش مبنای ضربه می‌زند

۱۰

۵. وجود بسیج یکی از معجزات انقلاب است که پایه‌ی مستحکمی برای انقلاب شد

۱۰

۶. باید عملکرد خوبی نشان دهیم تا دستورالعمل بسیج در جهان اسلام به عنوان یک دستورالعمل زنده و قابل تبعیت تثبیت شود

۱۰

۷. بحث سبک زندگی به حسب نظر اسلام می‌تواند یک معیار برای خودشناسی در داخل بسیج باشد

۱۰

۸. انقلاب و تاریخ ما به بسیج نیازمند است و بسیج به گسترش سطحی و عرضی همراه با عمق‌یابی روزافزون نیازمند است

۱۱

ب) بررسی جنگ اخیر رژیم صهیونیستی به غزه

۱۱



۱. وحشی‌گری‌های هفته اخیر در غزه، باید وجدان دنیای اسلام را تکان دهد و حرکت عظیم مردمی دنیای اسلام، روح تازه‌ای پیدا کند
۲. سببیت سردمداران رژیم صهیونیستی، یکی از ابعاد گوناگون وحشی‌گری‌های اخیر در غزه است
۳. بُعد دیگر قضیه این است که سردمداران استکبار، نه فقط از کارهای این رژیم بازاری نمی‌کنند؛ بلکه او را تقویت و تشویق می‌کنند
۴. یک بُعد دیگر، رفتار کشورهای اسلامی است، که رفتار مناسبی نبود؛ بعضی‌ها به حرف اکتفا کردند، بعضی‌ها حتی حرف هم نزدند
۵. مردم غزه در مقابل دشمن ددمنش ایستادگی کردند و امروز صهیونیست‌ها برای آتش‌بس دستپاچه‌تر از مردم و مسئولان غزه هستند
۶. ایستادگی مردم غزه یک پیام برای دنیای اسلام است که باید با قدرت از خود دفاع کرد تا در مقابل دشمنان آسیب‌ناپذیر ماند
- ج) ضرورت حفظ وحدت و آرامش در کشور**
۱. اینکه ما مکرر به حفظ وحدت سفارش می‌کنیم به خاطر این است که وحدت یک عنصر عظیم است
۲. من چندی پیش نسبت به اتحاد و وحدت سفارش کردم که خوشبختانه مسوولین محترم قوا تجاوب کردند؛ این خیلی با ارزش است
۳. سوال از مسوولان که الان در مجلس مطرح است کار مثبتی است، اما همین جا تمام شود؛ کشور به آرامش و وحدت احتیاج دارد
- موخره**
- ۱۵
- منابع**
- ۱۵
- دیدار دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت علامه قطب‌الدین شیرازی ۱۳/۰۹/۱۳۹۱**
- ۲۰
۱. قطب شیرازی در پزشکی برجسته است؛ فیلسوف به معنای حقیقی کلمه است؛ در نجوم و هیئت متخصص است و ادیب و شاعر است
۲. تخصص‌گرایی به معنای محدود کردن فکر، درست نیست؛ بلکه باید ذهن متخصصین از محیط‌های فراتر از حد تخصص‌شان بهره‌مند شود
۳. در منطقه فارس، استعداد بی‌پایانی از لحاظ اسلامی وجود دارد و این به یک معنا شناسنامه‌ی این منطقه است
۴. شخصیت‌های برجسته‌ای همچون علامه قطب شیرازی را به‌عنوان الگوهای برای نسل جوان امروز ما معرفی کنید



۵. جوانان توجه کنند که جریان علمی در کشور ما، در دورانی که در غرب و اروپا خبری نبوده، شکوفایی‌هایی داشته است
- دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۲۱/۰۹/۱۳۹۱
- مقدمه**
- ۲۳
- الف) جایگاه اساتید و اندیشمندان کشورهای بیداری اسلامی**
- ۲۳
۱. نشست اساتید بیداری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ایجاد یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص است
۲. اساتید و نخبگان علمی هر کشور، به شرط اخلاص، شجاعت، و نترسیدن از دشمنان، می‌توانند سررشته دار حرکت مردم باشند
- ب) جایگاه بیداری اسلامی در دنیا و ضرورت آسیب‌شناسی، تبیین اهداف و مسائل آن**
- ۲۴
۱. امروز دنیا با حادثه عظیم بیداری اسلامی مواجه است؛ بیداری وارد امت اسلامی شده و در بعضی کشورها به انقلاب تبدیل شده است
۲. انقلاب‌های بیداری اسلامی را آسیب‌شناسی کنید و اهداف آنها را تبیین کنید؛ اگر هدف‌ها تبیین نشد، سردرگمی به وجود می‌آید
- ج) اشاره‌ای به جنگ اخیر غزه و مسائل بحرین و سوریه**
- ۲۸
۱. آفرین بر حماس و جهاد و گردان‌های مبارزی که در غزه جنگیدند و شجاعت‌شان نشان دادند؛ صبر کردند و خدای متعال فرج را رساند
۲. سکوت دنیای اسلام نسبت به بحرین درست است؛ آنچه که موجب می‌شود بعضی‌ها سکوت کنند، مسائل مذهبی است
۳. دشمن را باید شناخت؛ ما با این نگاه در قضیه‌ی سوریه موضعگیری کردیم؛ کسانی که سوریه را به جنگ داخلی می‌کشاند، مقصودند
- موخره**
- ۲۹
- منابع**
- ۲۹



مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در مقطعی از تاریخ به وقوع پیوسته است که جبهه نظام کفر تاریخی با شرح صدری بلوغ یافته، تمدنی مادی را در جهان مستولی کرده است و داعیه جهانی کردن این تمدن را دارد.

اما در مقابل، تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام ناب، جبهه تاریخی ایمان را در افق جدیدی از مبارزه وارد نمود.

آرمان انقلاب اسلامی تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است که در این میان نقش رهبران بی بدیل انقلاب اسلامی به عنوان معماران تمدن اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد.

با مطالعه تاریخ تکامل جامعه شیعی، به خوبی روشن می گردد که شاخص اساسی بلوغ جامعه شیعی، ولایت پذیری از امامان معصوم(علیهم السلام) و نواب امام در زمان غیبت می باشد. از این رو، سنگین ترین تکلیف و امتحان جامعه شیعی، قبول ولایت و حرکت بر مدار اراده و خواست ولی خداست.

امام راحل اختری تابناک از سلسله فقیهان و مجتهدانی بود که با رهبری داهیانه خود، جامعه شیعی را در افق جدیدی از تکلیف سنگین ولایت پذیری وارد کرد و آن چیزی نیست جز تولی به این ولی خدا در افق اجتماعی و تمدنی.

البته انقلاب اسلامی گام‌های آغازین خود را تا رسیدن به تمدن اسلامی برداشته است، و خلف صالح امام راحل، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی(مدظله العالی)، به خوبی مسیر تحقق تمدن اسلامی را ترسیم نموده، با ولایت و مدیریت الهی خود و تبیین وظایف تمام آحاد جامعه در هر منصب و مقامی در فرمایشاتشان جامعه اسلامی را گام به گام به آرمان شهر خود نزدیک می کند.

بر این اساس، آنچه بر تمامی مسولین و آحاد مختلف جامعه فرض است، توجه تام و تمام به فرمایشات و مطالبات رهبری انقلاب اسلامی است؛ فرمایشاتی که عین تکلیف شرعی است و مسیر بندگی الهی را در حوزه حیات اجتماعی به خوبی ترسیم می کند.

از این رو، معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر(عجل الله فرجه) بر آن شد که از ابتدای سال ۱۳۹۱ فرمایشات آن رهبر معظم را گردآوری و تنظیم جدید کرده و همراه با تحلیل و جمع بندی مختصر و استخراج مطالبات ضمنی و صریح ایشان، با عنوان «ره نامه» و به صورت دوره‌ای در اختیار جامعه ولایت مدار، به ویژه مخاطبان آن فرمایشات و بالاخص تصمیم گیران و تصمیم سازان نظام اسلامی قرار دهند.

باشد که بتوانیم از منویات آن رهبر فرزانه در جهت رشد و تعالی اسلامی بهره برده، سهمی هر چند اندک در ترویج آن داشته باشیم. در پایان از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این جزوه یاری کرده اند به ویژه جناب آقای جعفرزاده تهیه کننده، هم چنین از مدیر عامل محترم مؤسسه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای عزت زمانی و همکاران محترم معاونت فرهنگی و انتشارات مؤسسه، تشکر و قدردانی می شود.

از خوانندگان محترم استدعا و انتظار داریم که دیدگاه های تکمیلی و اصلاحی خویش را به منظور هر چه بهتر شدن جزوات بعدی، در اختیار ما قرار دهند؛ که با آغوش باز پذیرائیم.

والسلام

معاونت پژوهشی

مؤسسه ولاء منتظر(عجل الله فرجه)





الف) جایگاه برجسته بسیج و بیان نکاتی برای تداوم و ارتقاء برکات بسیج

۱. در زمان ما نمونه‌هایی از فداکاری‌های بزرگ عاشورا دیده شد که یکی از برجسته‌ترین مظاهر آن، شجره طیبه بسیج است

خدا را سپاسگزاریم که یک نمونه‌ای از آنچه که در ماجرای بزرگ عاشورا دیده شد، نقل شد برای ما، در دوران ما به وجود آمد؛ مردان و زنان و جوانانی که به هدف اندیشیدند، از جان، از مال، از تعلقات زندگی چشم پوشیدند؛ این را ما در دوران دفاع مقدس به چشم دیدیم و امروز ادامه‌ی آن و برکات آن را داریم مشاهده می‌کنیم. تقارن این ایام با حادثه‌ی عظیم عاشورا درس آموز است. هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد. قطعاً اسلام، زنده‌ی به عاشورا و به حسین بن علی (علیه‌السلام) است.

همان طور که فرمود: «و انا من حسین» بنا براین معنا، یعنی دین من، ادامه‌ی راه من، به وسیله‌ی حسین (علیه‌السلام) است. اگر حادثه‌ی عاشورا نبود، اگر این فداکاری عظیم در تاریخ اسلام پیش نمی‌آمد، این تجربه، این درس عملی، به امت اسلامی داده نمی‌شد و یقیناً اسلام دچار انحرافی می‌شد از قبیل آنچه که ادیان قبل از اسلام دچار آن شدند و چیزی از حقیقت اسلام، از نورانیت اسلام باقی نمی‌ماند. عظمت عاشورا به این است. البته مصیبت در عاشورا سنگین است، خسارت بزرگ است، جان کسی مثل حسین بن علی (علیه‌السلام) به همه‌ی آسمان و زمین می‌ارزد، جان‌های پاک و طیب و طاهر آن اصحاب، آن جوانان، آن اهل بیت، قابل مقایسه‌ی با جان هیچ کس دیگر نیست؛ اینها در این میدان به خاک و خون غلتیدند، فداکاری کردند، فدا شدند، حرم معزز پیغمبر و امیرالمؤمنین به اسارت افتادند؛ این حوادث خیلی سنگین است، خیلی تلخ است، خیلی سخت است، اما آنچه که بر تحمل این حوادث تلخ و سخت مترتب شد، آنچنان بزرگ است، آنچنان با عظمت و ماندگار است که تحمل این حوادث سخت را بر کسی مثل حسین بن علی (علیه‌السلام) و یاران او و خانواده‌ی او آسان می‌کند. این را بزرگان نقل کرده‌اند، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی (رضوان الله علیه) در مراقبات - که حرف ایشان سند است، حجت است - تأکید می‌کنند که در روز عاشورا هرچه مصیبت‌ها سنگین‌تر می‌شد، چهره‌ی حسین بن علی (علیه‌السلام) برافروخته‌تر، آثار شکفتگی در آن بزرگوار بیشتر آشکار می‌شد. این حقایق پرمغز، پر راز و رمز، اینها باید دائماً در مقابل چشم ما باشد.

خب، در زمان ما نمونه‌هایی از این فداکاری‌ها دیده شد، آنچه در تاریخ خوانده بودیم، بخش‌هایی از آن را، نمونه‌هایی از آن را، که یکی از مهمترین و برجسته‌ترین مظاهر آن هم همین شجره‌ی طیبه‌ی بسیج است، هم قبل از شروع جنگ تحمیلی، هم در جریان دفاع مقدس - این تجربه‌ی بسیار دشوار و سخت برای کشور - و هم بعد از دفاع مقدس تا امروز، در مقابل چشم دیدیم؛ مساله‌ی بسیج، تجربه‌ی بسیج، دارای برکات بسیار بزرگی بوده است و ان شاء الله این برکات باید ادامه پیدا کند و ادامه پیدا خواهد کرد.

۲. عیار روحیه بسیجی باید در بسیج و مجموعه‌های «صالحین»، بالا برود؛ خلوص را در مجموعه‌ی کارها تضمین کنید

یک نکته این است که در دوران دفاع مقدس، آنچه که در حرکت بسیج دیده می‌شد، در عیار خلوص، دارای عیار بالایی بود، که این را باید امروز هم ما تأمین کنیم در حرکت بسیج. میدان امروز، میدان پیچیده‌تری است. رفتن در عرصه‌ی جنگ و قتال و مبارزه کردن و مسوولیت به عهده گرفتن، بعد هم به شهادت رسیدن یا جانباز شدن، یا به سلامت برگشتن، حضور در آن میدان، کار خطرناکی است، اما پیچیدگی ندارد. حضور در میدان امروز در مقابله‌ی با توطئه‌ی دشمن، حمله‌ی دشمن، و صف‌آرایی این دو صف و دو جبهه‌ی برجسته پیچیدگی‌هایی دارد؛ ممکن است آن خطرات نقد آن روز، امروز نباشد، لکن پیچیدگی‌های بیشتری دارد. امتیاز آن صحنه این بود که کسی که می‌رفت، خلوص واضحی از خود نشان می‌داد. ورود در آن میدان، ورود در میدان مرگ و زندگی بود؛ شوخی نبود؛ هم شهامت لازم داشت، هم فداکاری لازم داشت، هم ایمان لازم داشت، هم توکل به خدا لازم داشت؛ می‌رفتند شهید می‌شدند.

امروز در میدان‌های مختلف، همان ایمان، همان شهامت لازم است، اما بدون این عناصر هم ممکن است کسانی در کسوت بسیجی ظاهر بشوند؛ این را بایست مراقبت بکنید. از خودمان مراقبت کنیم در درجه‌ی اول و از محیط بسیج مراقبت بکنیم در درجه‌ی بعد؛ این کار یکایک آحاد بسیج است. عیار روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌های بسیج، از جمله در این مجموعه‌های «صالحین»، که شما تصدی آنها را بر عهده گرفته‌اید و آنها را مدیریت می‌کنید، باید بالا برود؛ خلوص را باید تضمین کنیم و در مجموعه‌ی کارها تضمین کنید. این یک قدری سخت است. یک علت اینکه جهاد در میدان مقابله‌ی با نفس و مسائل معنوی، «اکبر» نامیده شده است، همین سخت‌تر بودن کار است. در جنگ با دشمن - جنگ نظامی - انسان راحت می‌تواند آن میزان خلوص خود را و میزان خلوص دیگران را اندازه‌گیری کند؛ راحت‌تر می‌شود اندازه‌گیری کرد، اینجا نه؛ اینجا، هم خود انسان دچار اشتباه می‌شود، هم دیگران در شناخت انسان دچار اشتباه می‌شوند.

۳. از آفت‌هایی مثل غرور، آفت تظاهر و ریاکاری نسبت به خودمان پرهیز کنیم؛ این آفات، آفات مهلکی است

یک نکته‌ی دیگر این است که از آفت‌ها نسبت به خودمان پرهیز کنیم. آفت غرور، آفت تظاهر و ریاکاری؛ این آفات، آفات مهلکی است. اگر چنانچه موفقیتی به دست می‌آوریم، خدا را شاکر باشیم، از خدا بدانیم، برای ادامه‌ی آن از خدا کمک بخواهیم؛ این هم یک مساله‌ی اساسی است که دچار غرور نشویم، دچار اعتماد به نفس زیادی نشویم، از خودمان ندانیم، توکل به خدای متعال بکنیم. حقیقت قضیه هم همین است؛ حول و قوه‌ای جز آنچه که در اختیار خالق ذوالجلال است، وجود ندارد؛ کار اوست؛ توفیق ما، انتخاب ما، توانایی‌های ما، شوق ما، ایمان و عشقی که در دل ما هست، همه صنع دست پروردگار است. این را بدانیم، شاکر باشیم و تزیاید او را از خدای متعال طلب کنیم. این هم یک مساله است.



۴. باید به مجموعه‌هایی که پایه‌های اصلی بسیج را تشکیل می‌دهند عمق داد؛ زیرا سطحی‌نگری در اعتقاد و گزینش مبنای ضربه می‌زند

یک نکته‌ی اساسی که خوشبختانه دیدم در بیانات حضراتی که اینجا صحبت کردند مورد توجه قرار گرفته است، کیفیت و عمق این مجموعه‌هایی است که بدنه‌ی بسیج را و پایه‌های اصلی بسیج را تشکیل می‌دهند. آنچه که ضرر می‌زند، ضربه می‌زند، سطحی‌نگری در اعتقاد و در فهم و در گزینش منطق و مبناست. سطحی‌نگری ضربه می‌زند؛ مثل یک سربازی که بر روی یک مجموعه‌ی باری گذاشته باشند، یک باد شدید، یک تکان شدید، او را می‌اندازد. عمق باید داد، ریشه باید داد اعتقادات را؛ اینها چیزهایی است که مورد توجه شما هم بحمدالله قرار دارد. اصل تشکیل مجموعه‌های «صالحین»، بر اساس همین دید به وجود آمد که از لحاظ معنوی، از لحاظ تربیتی، از لحاظ تعلیمی، عمق بخشیده بشود به فکر و به روحیه‌ی جوانان بسیجی ما در بخش‌های مختلف.

۵. وجود بسیج یکی از معجزات انقلاب است که پایه‌ی مستحکمی برای انقلاب شد

خب، در مجموع که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که وجود بسیج یکی از معجزات انقلاب است. این ابتکار امام بزرگوار ما، آگاهی او را، حکمت او را، اتصال دل نورانی او را به اراده‌ی الهی، به حکمت الهی، نشان می‌دهد. بسیج یک پایه‌ی مستحکمی برای انقلاب شد. امروز بسیج در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی تجربه، در زمینه‌ی فناوری، در زمینه‌های معنوی، در زمینه‌ی خدمات اجتماعی، در زمینه‌ی نظریه‌پردازی در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی، در زمینه‌ی تحصیل، در زمینه‌ی تربیت، ببینید چقدر فعال است در بخش‌های گوناگون. یک روزی اگر تجربه‌ای پیش بیاید و ملت مجبور بشود که در مقابل دشمن دست به سلاح ببرد و دفاع نظامی بکند، باز هم همین مجموعه‌ی جوان‌ها، همین بسیج، همین جوان‌های شجاع ملت عزیز ما، دلاوری ملت ایران را، ماندگاری ملت ایران را، اقتدار ملت ایران را، شکست‌ناپذیری ملت ایران را به دشمن نشان خواهند داد.^۲

۶. باید عملکرد خوبی نشان دهیم تا دستورالعمل بسیج در جهان اسلام به عنوان یک دستورالعمل زنده و قابل تبعیت تثبیت شود

مجموعه‌های دیگر، کشورهای دیگر هم که در این راه نورانی اسلام خواسته‌اند قدم بردارند یا قدم برداشتند، از این تجربه تبعیت خواهند کرد. این تجربه، تجربه‌ی موفقی است. ما باید عملکرد خوبی نشان بدهیم. این دستورالعمل بسیج را در جهان اسلام و در میان کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی به عنوان یک دستورالعمل زنده و قابل تبعیت و پیروی تثبیت خواهد کرد و این تا حدود زیادی امروز هم اتفاق افتاده است و انجام گرفته است. بنابراین تقویت بسیج، هرچه خالص‌تر کردن و معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، توسعه‌ی فعالیت‌های بسیجی به همه‌ی مناطق زندگی، جزو کارهای اساسی است که مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبطین با آن و فعالان در آن باید دنبال کنند.

۷. بحث سبک زندگی به حسب نظر اسلام می‌تواند یک معیار برای خودشناسی در داخل بسیج باشد

از خود شروع کردن هم که دستور اسلام به ماهاست؛ همه‌ی ما در همه‌ی سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. «من نصب

نفسه للناس اماما فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره»^۲ در همه‌ی سطوح همین جور است. از خودمان باید شروع کنیم؛ این را ما در بسیج جا بیندازیم.

همین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج می‌تواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاه‌های برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است، بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این می‌شود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخش‌ها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد.

۸. انقلاب و تاریخ ما به بسیج نیازمند است و بسیج به گسترش سطحی و عرضی همراه با عمق‌یابی روزافزون نیازمند است به هر حال کشور ما، ملت ما، انقلاب ما و تاریخ ما به بسیج نیازمند است و بسیج به کیفیت‌بخشیدن روزافزون به خود نیازمند است و این کاری هم که شما برادران و خواهران عزیز اشتغال دارید، بخش مساله‌ی مربوط به «صالحین» و این حلقات «صالحین»، از کارهای بسیار خوب و برجسته است و در طریق همین تکمیل بسیج قرار دارد که ان‌شاءالله روز به روز باید آن را کامل‌تر کرد. کیفیت‌ها باید بالا برود؛ البته کیفیت بر کمیّت ترجیح دارد، لکن کمیّت با کیفیت هم دارای اهمیت است؛ یعنی گسترش سطحی و عرضی همراه با عمق‌یابی، هر دو باید مورد توجه قرار بگیرد. امروز دنیای اسلام محتاج این حرکت بسیجی است.

ب) بررسی جنگ اخیر رژیم صهیونیستی به غزه

۱. وحشی‌گری‌های هفته اخیر در غزه، باید وجدان دنیای اسلام را تکان دهد و حرکت عظیم مردمی دنیای اسلام، روح تازه‌ای پیدا کند

این وحشی‌گری‌هایی که در این یک هفته‌ی اخیر در غزه انجام گرفت، که حقیقتاً انسان را از سطح سبعیت مسوولین رژیم صهیونیستی دچار شگفتی می‌کند، همین‌ها بایستی وجدان دنیای اسلام را تکان بدهد و این حرکت عظیم مردمی در دنیای اسلام بایستی روح تازه‌ای پیدا کند.

۲. سبعیت سردمداران رژیم صهیونیستی، یکی از ابعاد گوناگون وحشی‌گری‌های اخیر در غزه است

دشمن بی‌کار نیست و این حرکت ابعاد گوناگونی دارد: اولاً، سبعیت سردمداران رژیم صهیونیستی. چقدر اینها وحشی‌اند، چقدر اینها دور از وجدان بشری‌اند؛ انسان‌های بیگانه را، انسان‌های غیرنظامی را اینجور مورد تهاجم قرار دادن! انسان واقعاً تعجب می‌کند، حیرت می‌کند؛ بویی از انسانیت، اینها نبرده‌اند. اینها در مقابل دنیای اسلامند، اینها در مقابل نظام جمهوری اسلامی‌اند، اینها مدعی جمهوری



اسلامی در محافل جهانی‌اند؛ این انسان‌های بو نبرده‌ی از انسانیت. این یک بُعد مساله است که خیلی مهم است.

۳. بُعد دیگر قضیه این است که سردمداران استکبار، نه فقط از کارهای این رژیم بازداري نمی‌کنند؛ بلکه او را تقویت و تشویق می‌کنند

یک بُعد دیگر قضیه این است که سردمداران نظام استکبار، آنقدر وقیح برخورد می‌کنند با این قضیه که انسان را متعجب می‌کنند؛ یعنی نه فقط اخم نمی‌کنند، نه فقط بازداري نمی‌کنند این رژیم سنگدل و دمنش را از کارهایش، بلکه او را تقویت می‌کنند، تشویق می‌کنند، حمایت می‌کنند! آمریکا صریحاً حمایت کرد، انگلیس حمایت کرد، فرانسه حمایت کرد. اینها سردمداران دنیای استکبارند. اینها همان کسانی هستند که ملت‌های مسلمان، امروز در اعماق دل خود، دشمنی خشن‌تر و منفورتر از اینها ندارند. اینها همه صریحاً حمایت کردند. وزن گرایش به اخلاق و معنویت در دنیای استکبار را از این حادثه می‌شود فهمید. چقدر اینها دورند از انسانیت! خب، حالا حمایت سیاسی می‌کنند به خاطر اغراض فاسد سیاسی، دیگر دم از حقوق بشر چرا می‌زنند این افراد؟! آیا آمریکا که در مقابل این حرکت خشن و وحشی نه فقط موضع نمی‌گیرد، بلکه حمایت هم می‌کند، دیگر حق دارد دم از حقوق بشر بزند؟ حق دارد خود را محاکمه‌کننده‌ی ملتها و دولتها در زمینه‌ی حقوق بشر بداند؟ این هم یک وقاحت مضاعف است. فرانسه همین‌طور، انگلیس همین‌طور. سابقه‌ی رفتار اینها در دنیای اسلام، جنایت‌هایی که کردند، کشتارهایی که کردند، فشارهایی که به مردم مسلمان در کشورهای مختلف وارد کردند، اینها هنوز از یاد ملت‌های مسلمان نرفته است، باز امروز از رژیم سبع دمنش وحشی‌ای مثل رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند، دفاع می‌کنند از کار او. این هم یک بُعد این قضیه است.

۴. یک بُعد دیگر، رفتار کشورهای اسلامی است، که رفتار مناسبی نبود؛ بعضی‌ها به حرف اکتفا کردند، بعضی‌ها حتی حرف هم نزدند

یک بُعد دیگر قضیه، رفتار کشورهای عربی و اسلامی است، که رفتار مناسبی نبود. بعضی‌ها به حرف اکتفا کردند، بعضی‌ها حرف هم حتی نزدند؛ محکوم هم حتی نکردند! آن کسانی که داعیه‌ی اسلام دارند، داعیه‌ی دعوت به وحدت مسلمین دارند، داعیه‌ی هدایت دنیای اسلام را دارند، خب در یک چنین مواقعی بایستی خودشان را نشان بدهند. در قضایای گوناگونی که اغراض سیاسی آنها را تأمین می‌کند، بی‌دریغ وارد می‌شوند، اما اینجا چون طرف، آمریکا است؛ چون طرف، انگلیس است، حاضر نیستند حتی درست محکوم کنند. یا به حمایت لفظی اکتفا می‌کنند، که هیچ ارزشی ندارد؛ کار کم‌اثری است. امروز دنیای اسلام، بخصوص مجموعه‌ی کشورهای عربی بایستی دست اتحاد به هم بدهند، از این مردم دفاع کنند، محاصره را بردارند و سعی کنند به این مردم مظلوم غزه کمک کنند.

۵. مردم غزه در مقابل دشمن دمنش ایستادگی کردند و امروز صهیونیست‌ها برای آتش‌بس دستپاچه‌تر از مردم و مسئولان غزه هستند

البته خدای متعال به مردم غزه این توفیق را داده است که در مقابل این دشمن خشن و دمنش استقامت کنند، ایستادگی کنند، و آنها پاسخ ایستادگی خودشان را هم گرفتند، و آن عزت مردم غزه بود؛ نشان دادند که با ایستادگی، با مقاومت، با سخت‌کوشی

میتوان با همه‌ی حجم کوچک، بر یک حجم بزرگ پیچیده‌ی مسلح تأیید شده و حمایت شده‌ی از طرف قدرت‌های بزرگ فائق آمد. امروز صهیونیست‌های حاکم بر فلسطین اشغالی برای آتش‌بس دستپاچه‌تر از مردم غزه و مسوولان غزه هستند.

۶. ایستادگی مردم غزه یک پیام برای دنیای اسلام است که باید با قدرت از خود دفاع کرد تا در مقابل دشمنان آسیب‌ناپذیر ماند

جنایت را آنها کردند، خبثت را آنها کردند، دمنشی را آنها کردند، اما ضربه‌ی بیشتر را هم آنها دارند می‌خورند، به خاطر ایستادگی جمع کوچک مسلمان مردم غزه و جوانان غزه. و راه، جز این نیست؛ این یک پیام است به دنیای اسلام: دنیای اسلام اگر می‌خواهد در مقابل حملات دشمنان و خبثات‌های دشمنان و توطئه‌های دشمنان و نامردی‌ها و ناجوانمردی‌های دشمنان آسیب‌ناپذیر بماند، باید با قدرت از خود دفاع کند.^۴ باید در خود قدرت ایجاد کند؛ هم قدرت معنوی که قدرت ایمانی و عزم اراده است و هم قدرت مادی. پیشرفت علمی، قدرت مادی است؛ تجربه و فناوری، قدرت مادی است؛ توانایی ساخت تجهیزات زندگی، اعم از سلاح و غیر سلاح، قدرت مادی است. اینها را باید دنیای اسلام و جوامع اسلامی برای خودشان فراهم کنند. آن وقت واحدی به کوچکی غزه سختی را تحمل می‌کند، شهیدانی می‌دهد، اما کاری می‌کند با دشمن، که همان‌طور که گفتیم، دشمن امروز برای آتش‌بس در غزه دستپاچه‌تر است تا خود مسوولان غزه و مردم غزه. این درس است برای دنیای اسلام و البته ما این درس را از دوران دفاع مقدس آموختیم. بحمدالله مردم ما، جوانان ما، دانشمندان ما، تجربه‌گران ما در این زمینه پیشرفت کردند. از لحاظ علمی پیشرفت کردیم، از لحاظ تجربی پیشرفت کردیم؛ این حقیقت را فهمیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم. این هم یکی از این عوامل ایستادگی است.

ج) ضرورت حفظ وحدت و آرامش در کشور

۱. اینکه ما مکرر به حفظ وحدت سفارش می‌کنیم به خاطر این است که وحدت یک عنصر عظیم است

و اتحاد؛ اتحاد. این مساله‌ی اتحاد و وحدت کلمه‌ی در میان مسلمانان و امت اسلام با یک نگاه؛ و در میان ملت‌های مسلمان در هر کشوری، اتحاد میان مردم کشور و ابعاض گوناگون این ملت‌ها، مهم است؛ در مورد ما هم همین صادق است. اینکه ما مکرر عرض می‌کنیم به جناح‌های سیاسی، به مسوولین محترم برای حفظ وحدت، به کسانی که دارای منبر گفتگو هستند؛ چه روزنامه، چه پایگاه‌های اینترنتی، چه بلندگوهای گوناگون دستگاه‌های اجرایی و غیر اجرایی، توصیه‌ی ما دائماً به دوستان، برادران، مسوولان، صاحبان قلم، صاحبان بیان نسبت به امر وحدت، به خاطر این است که وحدت یک عنصر عظیم است و کشور ما با اتحادی که خوشبختانه ملت دارند - که این اختلافات گوناگون نتوانسته است خوشبختانه ملت را تجزیه کند - یکپارچگی‌اش در حد بالایی محفوظ مانده است. مسوولین هم اختلاف سلیقه دارند، اما اختلاف سلیقه تا وقتی که به گریبان‌گیری منتهی نشود، هیچ اشکالی ندارد. همین اتحاد و این همدلی توانسته است کشور را در چشم دشمنان به عنوان یک مجموعه‌ی مقتدر، به عنوان یک کشور مقتدر حفظ بکند. الان هم همین جور است.



۲. من چندی پیش نسبت به اتحاد و وحدت سفارش کردم که خوشبختانه مسوولین محترم قوا تجاوب کردند؛ این خیلی با ارزش است

من چندی پیش سفارش کردم نسبت به اتحاد و وحدت؛ خوشبختانه مسوولین محترم قوا تجاوب کردند؛ خیلی با ارزش است. لازم است از اینها تشکر بشود؛ مسوولین قوا، رؤسای سه قوه تجاوب کردند، اعلام کردند و تأکید کردند بر اینکه بر روی اتحاد بین خودشان در زمینه‌های گوناگون، علی‌رغم اختلاف سلیقه و اختلاف نظری که وجود دارد، خواهند ماند. ما هم همین را از این برادران عزیز و این مسوولان محترم به عنوان یک حرکت مثبت می‌پذیریم و معتقدیم که واقعاً این کار دوستان حرکت خوبی بود و حالا هم باید مواظب بیانات و اظهارات شان باشند.

۳. سوال از مسوولان که الان در مجلس مطرح است کار مثبتی است، اما همین جا تمام شود؛ کشور به آرامش و وحدت احتیاج دارد

این کاری هم که الان در مجلس محترم شورای اسلامی هست، این هم یکی از همان مسائلی است که یک جنبه‌ی تحسین و تمجید درش هست. این را من عرض بکنم؛ شما برادران و خواهران عزیز و ملت عزیز ما توجه داشته باشید؛ اینکه از مسوولان کشور سوال بکنند، حالا یا از رئیس جمهور یا از سایر مسوولان اجرایی، این از دو جهت کار مثبتی است: یکی اینکه نشان می‌دهد که نمایندگان مردم در قوه‌ی مقننه، احساس مسوولیت می‌کنند نسبت به مسائل کشور؛ این مثبت است. جنبه‌ی دیگر این است که مسوولان کشور با اعتماد به نفس و با شجاعت قابل تحسین می‌گویند آماده هستند که بیایند توضیح بدهند، این سئوالات را بیان کنند؛ این هم مثبت است. هم مسوولان قوه‌ی مقننه‌ی ما به وظیفه عمل می‌کنند، هم مسوولان قوه‌ی مجریه ما نشان می‌دهند که به صحت عمل خودشان و صداقت خودشان اطمینان دارند و اعتماد دارند. انسان چه می‌خواهد دیگر، از همه بهتر، این است. حالا این کار اتفاق افتاده است؛ یعنی مجلس می‌گوید می‌خواهد بپرسد، این احساس وظیفه است؛ دستگاه دولتی می‌گوید می‌خواهد با اعتماد به نفس پاسخ بدهد و از عهده‌ی پاسخ برمی‌آید - که این را به ما هم گفتند - این هم قابل تحسین هست؛ هر دو قضیه خوب است، لکن من معتقدم که این دو نقطه‌ی مثبت تا اینجا انجام گرفته، از اینجا به بعد دیگر ادامه پیدا نکند.^۵ همین جا تمامش بکنند؛ همین جا تمام کنند قضیه را. مجلس یک امتحان خوبی داده است، یک امتحان خوبی مسوولین اجرایی داده‌اند؛ این امتحان، امتحان خوبی بود. مردم هم با بصیرتند، مردم می‌فهمند، تشخیص می‌دهند. ادامه‌ی این کار همان چیزی است که دشمنان می‌خواهند؛ دوست می‌دارند این دو قوه را در مقابل هم قرار بدهند؛ یک عده‌ای تحت تأثیر احساسات از این طرف، یک عده‌ای تحت تأثیر احساسات از آن طرف، یک عده‌ای قلم‌ها و وسائل تبلیغ را در روزنامه و در پایگاه اینترنتی و غیره به کار بگیرند و یک فضای شلوغی درست کنند. نه، کشور احتیاج دارد به آرامش. همه‌ی مسوولین، چه مسوولین تقنین، چه مسوولین قضا، چه مسوولین اجرا، برای اینکه کار خود را انجام بدهند، آرامش لازم دارند، مردم هم آرامش را دوست دارند. آنچه که وظیفه‌ی مجلس بود، انجام گرفت؛ دولت هم در مقابل آنچه که وظیفه‌ی مجلس است، اعتماد به نفس لازم را نشان داد؛ این از هر دو طرف خرسند کننده است. از حالا من از آن برادران و مجموعه‌ی چند ده نفری در مجلس که این کار را

شروع کردند، تقاضا می‌کنم قضیه را تمام کنند و نشان بدهند عملاً هم مسوولین دولتی، هم مسوولین قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه که بیش از همه چیز به وحدت این ملت و آرامش کشور احترام می‌گذارند.^۶

موخره

از همه‌ی برادران و خواهران فعال در حوزه‌ی کار بسیج تشکر می‌کنیم. ان‌شاءالله خدای متعال به همه‌ی شما توفیق بدهد. از برادران و خواهرانی هم که صحبت کردند، از همه‌شان تشکر می‌کنیم. امیدواریم ان‌شاءالله خداوند به همه‌شان جزای خیر بدهد. از این برادر عزیزی هم که این مدال خود را به ما اهدا کردند، تشکر می‌کنیم. این مدال را هم من قبول کردم از ایشان، لکن درعین حال برمی‌گردانم و هدیه می‌کنم به خودشان؛ بهتر همین است که دست شان بماند که هم یادگار قهرمانی‌شان باشد، هم یادگار ما به ایشان باشد. ان‌شاءالله موفق باشید.

منابع

- (۱) ارشاد، ج ۲، ص ۱۲۷
- (۲) تکبیر
- (۳) نهج البلاغه، حکمت ۷۱
- (۴) تکبیر
- (۵) تکبیر
- (۶) تکبیر و شعار: «ای رهبر آزاده آماده‌ایم، آماده»



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	نباید ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، یک عبرت و یک پرچم هدایت از نظر دور داشت	امت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی	هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد.
۲	عیار روحیه بسیجی باید در بسیج و مجموعه‌های «صالحین»، بالا برود؛ خلوص را در مجموعه‌ی کارها تضمین کنید	یکایک آحاد بسیج	در دوران دفاع مقدس، آنچه که در حرکت بسیج دیده می‌شد، در عیار خلوص، دارای عیار بالایی بود، که این را باید امروز هم ما تأمین کنیم در حرکت بسیج. میدان امروز، میدان پیچیده‌تری است. رفتن در عرصه‌ی جنگ و قتال و مبارزه کردن و مسوولیت به عهده گرفتن، بعد هم به شهادت رسیدن یا جانباز شدن، یا به سلامت برگشتن، حضور در آن میدان، کار خطرناکی است، اما پیچیدگی ندارد. حضور در میدان امروز در مقابله‌ی با توطئه‌ی دشمن، حمله‌ی دشمن، و صف‌آرایی این دو صف و دو جبهه‌ی برجسته پیچیدگی‌هایی دارد؛ ممکن است آن خطرات نقد آن روز، امروز نباشد، لکن پیچیدگی‌های بیشتری دارد. امتیاز آن صحنه این بود که کسی که میرفت، خلوص واضحی از خود نشان می‌داد. ورود در آن میدان، ورود در میدان مرگ و زندگی بود؛ شوخی نبود؛ هم شهامت لازم داشت، هم فداکاری لازم داشت، هم ایمان لازم داشت، هم توکل به خدا لازم داشت، و می‌رفتند شهید می‌شدند. امروز در میدان‌های مختلف، همان ایمان، همان شهامت لازم است، اما بدون این عناصر هم ممکن است کسانی در کسوت بسیجی ظاهر بشوند؛ این را بایست مراقبت بکنید. از خودمان مراقبت کنیم در درجه‌ی اول و از محیط بسیج مراقبت بکنیم در درجه‌ی بعد؛ این کار یکایک آحاد بسیج است. عیار روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌ی بسیج، از جمله در این مجموعه‌های «صالحین»، که شما تصدی آنها را بر عهده گرفته‌اید و آنها را مدیریت می‌کنید، باید بالا برود؛ خلوص را باید تضمین کنیم و در مجموعه‌ی کارها تضمین کنید.

۳	از آفت‌های مهلکی مثل آفتِ غرور، آفتِ تظاهر و ریاکاری و ریاکاری؛ این آفات، آفات مهلکی است. اگر چنانچه موفقیتی به دست می‌آوریم، خدا را شاکر باشیم، از خدا بدانیم، برای ادامه‌ی آن از خدا کمک بخواهیم؛ این هم یک مساله‌ی اساسی است که دچار غرور نشویم، دچار اعتماد به نفس زیادی نشویم، از خودمان ندانیم، توکل به خدای متعال بکنیم... این را بدانیم، شاکر باشیم و تزاید او را از خدای متعال طلب کنیم.	یکایک آحاد بسیج	از آفت‌های مهلکی مثل آفتِ غرور، آفات مهلکی است. اگر چنانچه موفقیتی به دست می‌آوریم، خدا را شاکر باشیم، از خدا بدانیم، برای ادامه‌ی آن از خدا کمک بخواهیم؛ این هم یک مساله‌ی اساسی است که دچار غرور نشویم، دچار اعتماد به نفس زیادی نشویم، از خودمان ندانیم، توکل به خدای متعال بکنیم... این را بدانیم، شاکر باشیم و تزاید او را از خدای متعال طلب کنیم.
۴	به مجموعه‌هایی که پایه‌های اصلی بسیج را تشکیل می‌دهند مثل صالحین، عمق بدهید	بسیجیان و دست اندرکاران بسیج	یک نکته‌ی اساسی ... [دیگر] کیفیت و عمق این مجموعه‌هایی است که بدنه‌ی بسیج را و پایه‌های اصلی بسیج را تشکیل می‌دهند. آنچه که ضرر می‌زند، ضربه می‌زند، سطحی‌نگری در اعتقاد و در فهم و در گزینش منطق و مبناست. سطحی‌نگری ضربه می‌زند؛ مثل یک سر باری که بر روی یک مجموعه‌ی باری گذاشته باشند، یک باد شدید، یک تکان شدید، او را می‌اندازد. عمق باید داد، ریشه باید داد اعتقادات را؛ اینها چیزهایی است که مورد توجه شما هم بحمدالله قرار دارد. اصل تشکیل مجموعه‌های «صالحین»، بر اساس همین دید به وجود آمد که از لحاظ معنوی، از لحاظ تربیتی، از لحاظ تعلیمی، عمق بخشیده بشود به فکر و به روحیه‌ی جوانان بسیجی ما در بخش‌های مختلف.
۵	تقویت، هرچه خالص‌تر و معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی و توسعه‌ی فعالیت‌های بسیجی به تمامی مناطق زندگی، جزو کارهای اساسی است که مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبطین با آن و فعالان در آن	مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبطین با آن و فعالان در آن	تقویت بسیج، هرچه خالص‌تر کردن و معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، توسعه‌ی فعالیت‌های بسیجی به تمامی مناطق زندگی، جزو کارهای اساسی است که مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبطین با آن و فعالان در آن به ماهاست؛ همه‌ی ما در همه‌ی سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. «من نصب نفسه للناس اماما فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره». در همه‌ی سطوح همین جور است. از خودمان باید شروع کنیم؛ این را ما در بسیج جا بیندازیم.



۶	سبک زندگی به حسب نظر اسلام را معیار خودشناسی و خودسنجی قرار دهید	بسیجیان	<p>همه‌ی ما در همه‌ی سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. «من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره». در همه‌ی سطوح همین جور است. از خودمان باید شروع کنیم؛ این را ما در بسیج جا بیندازیم.</p> <p>همین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج میتواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاه‌های برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است، بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این میشود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخش‌ها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد.</p>
۷	کیفیت‌ها باید بالا برود؛ البته کیفیت بر کمیت ترجیح دارد، لکن کمیت با کیفیت هم دارای اهمیت است؛ لذا باید گسترش سطحی و عرضی همراه با عمقیابی صورت گیرد	بسیجیان	<p>حال کشور ما، ملت ما، انقلاب ما و تاریخ ما به بسیج نیازمند است و بسیج به کیفیت‌بخشیدن روزافزون به خود نیازمند است و این کاری هم که شما برادران و خواهران عزیز اشتغال دارید، بخش مسالهای مربوط به «صالحین» و این حلقات «صالحین»، از کارهای بسیار خوب و برجسته است و در طریق همین تکمیل بسیج قرار دارد که ان‌شاءالله روز به روز باید آن را کامل تر کرد. کیفیت‌ها باید بالا برود؛ البته کیفیت بر کمیت ترجیح دارد، لکن کمیت با کیفیت هم دارای اهمیت است؛ یعنی گسترش سطحی و عرضی همراه با عمقیابی، هر دو باید مورد توجه قرار بگیرد. امروز دنیای اسلام محتاج این حرکت بسیجی است.</p>

۸	دست اتحاد به هم بدهید، به این مردم مظلوم غزه کمک کنید، از این مردم دفاع کنند و محاصره را بردارید	دنیای اسلام، بخصوص مجموعه‌ی کشورهای عربی	<p>رفتار کشورهای عربی و اسلامی... [نسبت به وحشی‌گری رژیم صهیونیستی در غزه] رفتار مناسبی نبود. بعضی‌ها به حرف اکتفا کردند، بعضی‌ها حرف هم حتی نزدند؛ محکوم هم حتی نکردند! آن کسانی که داعیه‌ی اسلام دارند، داعیه‌ی دعوت به وحدت مسلمین دارند، داعیه‌ی هدایت دنیای اسلام را دارند، خب در یک چنین مواقعی بایستی خودشان را نشان بدهند. در قضایای گوناگونی که اغراض سیاسی آنها را تأمین می‌کند، بی‌دریغ وارد می‌شوند، اما اینجا چون طرف، آمریکا است؛ چون طرف، انگلیس است، حاضر نیستند حتی درست محکوم کنند. یا به حمایت لفظی اکتفا می‌کنند، که هیچ ارزشی ندارد؛ کار کم‌اثری است. امروز دنیای اسلام، بخصوص مجموعه‌ی کشورهای عربی بایستی دست اتحاد به هم بدهند، از این مردم دفاع کنند، محاصره را بردارند و سعی کنند به این مردم مظلوم غزه کمک کنند.</p>
۹	وحدت را حفظ کنید	جناح‌های سیاسی، مسوولین محترم، کسانی که دارای منبر گفتگو هستند؛ چه روزنامه، چه پایگاه‌های اینترنتی، چه بلندگوهای گوناگون دستگاه‌های اجرایی و غیر اجرایی، دوستان، برادران، مسوولان، صاحبان قلم، صاحبان بیان	<p>اینی که ما مکرر عرض می‌کنیم به جناح‌های سیاسی، به مسوولین محترم برای حفظ وحدت، به کسانی که دارای منبر گفتگو هستند؛ چه روزنامه، چه پایگاه‌های اینترنتی، چه بلندگوهای گوناگون دستگاه‌های اجرایی و غیر اجرایی، توصیه‌ی ما دائماً به دوستان، برادران، مسوولان، صاحبان قلم، صاحبان بیان نسبت به امر وحدت، به خاطر این است که وحدت یک عنصر عظیم است و کشور ما با اتحادی که خوشبختانه ملت دارند - که این اختلافات گوناگون نتوانسته است خوشبختانه ملت را تجزیه کند - یکپارچگی‌اش در حد بالایی محفوظ مانده است. مسوولین هم اختلاف سلیقه دارند، اما اختلاف سلیقه تا وقتی که به گریبان‌گیری منتهی نشود، هیچ اشکالی ندارد. همین اتحاد و این همدلی توانسته است کشور را در چشم دشمنان به عنوان یک مجموعه‌ی مقتدر، به عنوان یک کشور مقتدر حفظ بکند. الان هم همین جور است.</p>



۱. قطب شیرازی در پزشکی برجسته است؛ فیلسوف به معنای حقیقی کلمه است؛ در نجوم و هیئت متخصص است و ادیب و شاعر است

بزرگداشت کسانی از قبیل قطب‌الدین شیرازی کار بسیار مفیدی است. من در ذهنم بود که پزشک‌ها زرنگی کردند و قطب شیرازی را برده‌اند به عالم پزشکی؛ چون ایشان در درجه‌ی اول فیلسوف است، شاگرد خواجه نصیر و شارح شرح حکمت‌الاشراق و اینها است؛ و البته طبیب هم هست، طبیب برجسته‌ای است؛ [و هم] منجم است، ایشان در ساخت رصدخانه‌ی معروف مراغه سهیم بوده؛ یعنی یک انسان بزرگی است. اما این بیان آقای دکتر لنگرانی، بیان خوبی بود. یعنی همین که ما توجه کنیم که دانشمندان بزرگ ما در دوران‌های مختلف اسلامی، در رشته‌های مختلف تبخّر داشته‌اند؛ صرف این نبود که یک لقمه از اینجا، یک لقمه از آنجا، یک لقمه از آنجا؛ نه، ایشان در عالم پزشکی یک آدم برجسته است؛ همان طور که اشاره کردید، مهمترین شرح قانون بوعلی را او نوشته؛ در زمینه‌ی فلسفه، یک فیلسوف است به معنای حقیقی کلمه؛ در زمینه‌ی نجوم و هیئت، یک انسان وارد و متخصص است؛ ادیب است، شاعر است؛ شعر عربی، شعر فارسی؛ و شاید علوم دیگری.

۲. تخصص‌گرایی به معنای محدود کردن فکر، درست نیست؛ بلکه باید ذهن متخصصین از محیط‌های فراتر از حد تخصص‌شان بهره‌مند شود

یعنی این نکته مورد توجه باشد که تخصص‌گرایی به معنای محدود کردن ذهن و فکر انسان، یک نکته‌ی برجسته‌ای نیست - که همین‌طور تخصص‌ها پشت سر هم همدیگر را می‌شکافند، یک تخصص کوچکتری، دایره‌ی محدودتری به وجود می‌آید؛ به یک معنا به خاطر رسیدگی به وضع زندگی انسان در آن تخصص خاص، چیز خوبی است، اما به یک معنا محدود کردن انسان است - چون ظرفیت ذهن انسان خیلی وسیع است و می‌تواند در همه‌ی این امور صاحب‌نظر باشد. اینجور نباشد که کسی که پزشک است، مثلاً در زمینه‌ی علوم دینی یا در زمینه‌ی فلسفه، یک آدم عامی‌ای محسوب شود؛ نه، چقدر خوب است که یک پزشک، در زمینه‌ی علوم دیگر - در زمینه‌ی علوم عقلی، در زمینه‌ی علوم دقیقه، مسائل گوناگون طبیعی - حداقل صاحب اطلاع باشد و این کار را ما بتوانیم در کشورمان

پیش ببریم. البته به معنای تعطیل کردن تخصص‌ها به هیچ‌وجه نیست، بلکه به معنای بهره‌مند کردن ذهن متخصصین از محیط‌های فراتر از حد تخصص آنها است.

۳. در منطقه فارس، استعداد بی‌پایانی از لحاظ اسلامی وجود دارد و این به یک معنا شناسنامه‌ی این منطقه است

خب، شیراز البته مرکز مهمی است، و بزرگانی در شیراز پرورش پیدا کرده‌اند؛ خود این هم در سرزمین‌های گوناگون اسلامی ما یک نکته‌ای است؛ من این را در سفر شیراز هم - همین چند سال قبل از این - گفتم. واقعاً شیراز جزو سرزمین‌هایی از کشور ما است که یک ظرفیت نامحدودی دارد؛ انسان در هر بخشی نگاه می‌کند، می‌بیند منطقه‌ی فارس و شیراز - البته شیراز که می‌گوییم، منظورمان کل فارس است، کما اینکه قطب شیرازی هم کازرونی است - یک منطقه‌ی بسیار حاصلخیزی است از لحاظ تربیت استعداد‌های برجسته‌ی انسانی؛ شاعر، ادیب، فیلسوف، عالم به معنای مصطلح امروزی؛ در رشته‌های مختلف علوم - در همه‌ی رشته‌ها - برجستگانی از این منطقه برخاسته‌اند. خب، این در واقع به یک معنا شناسنامه‌ی این منطقه است که کسانی که در این منطقه مشغول کار تعلیم و تربیت و پرورش افکار و استعدادها هستند، به این نکته توجه کنند که [در] اینجا یک استعداد بی‌پایانی از لحاظ اسلامی وجود دارد.

۴. شخصیت‌های برجسته‌ای همچون علامه قطب شیرازی را به‌عنوان الگوهایی برای نسل جوان امروز ما معرفی کنید

حالا همین قطب شیرازی، ایشان علامه‌ی شیرازی است، یعنی به‌عنوان علامه شناخته می‌شود، به‌خاطر همین که در فنون مختلف [متخصص بوده]؛ به هر حال سعی کنید این شخصیت‌های برجسته را به‌عنوان الگوهایی برای نسل جوان امروز ما معرفی کنید که جوان امروز بداند که می‌تواند الگویش این باشد. هیچ لزومی ندارد که ما یک شخصیت را از اعماق تاریکی‌های قرون وسطای اروپا بکشیم بیرون، او را به‌عنوان یک شخصیت معرفی کنیم. اینها [الگو] هستند.

۵. جوانان توجه کنند که جریان علمی در کشور ما، در دورانی که در غرب و اروپا خبری نبوده، شکوفایی‌هایی داشته است

ثانیاً توجه کنند به اینکه جریان علمی در کشور ما، در دورانی که در غرب و در اروپا خبری نبوده شکوفایی‌هایی داشته. در قرن هفتم هجری - چون ایشان از دانشمندان قرن هفتم است، یعنی ایشان اوائل قرن هشتم ظاهراً از دنیا رفته، یعنی جزو علمای قرن هفتم محسوب میشود - یعنی قرن سیزده و چهارده میلادی، شما ببینید در اروپا چه خبر بوده؟ چه کسانی بودند؟ یعنی در اروپا، نور علم تابیده نشده بود؛ آن وقت اینجور شخصیت‌های برجسته‌ای در اینجا از قبیل خواجه نصیر و کاتبی - که یکی از اساتید او هم کاتبی است؛ کاتبی قزوینی، فیلسوف برجسته‌ی بزرگ - و دیگران و همچنین امثال قطب شیرازی، در آن وقت هستند.

امیدواریم ان‌شاءالله خداوند کمک کند به شما بتوانید این کار را خیلی خوب از آب در بیاورید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



مقدمه

اولاً خوشامد عرض می‌کنم به شما مهمانان عزیز، از کشورهای مختلف و همچنین به اساتید عزیز و محترم دانشگاه‌های خودمان.

الف) جایگاه اساتید و اندیشمندان کشورهای بیداری اسلامی

۱. نشست اساتید بیداری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ایجاد یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص است تقریباً از یک سال و نیم پیش تا امروز دیدارها و اجلاس‌ها و نشست‌های متعددی درباره‌ی بیداری اسلامی در تهران تشکیل شده، لیکن به نظر می‌رسد که اجلاس و نشست اساتید از یک اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آن‌ها هستند که می‌توانند فکر

ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه‌ی نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواستہ می‌توانند به سمتی ببرند که مایه‌ی بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود. این دومی متأسفانه در طول هفتاد هشتاد سال اخیر در برخی از کشورها، از جمله در کشور خود ما اتفاق افتاد.

۲. اساتید و نخبگان علمی هر کشور، به شرط اخلاص، شجاعت، و نترسیدن از دشمنان، می‌توانند سررشته‌دار حرکت مردم باشند

روایتی است از رسول مکرّم اسلام، حضرت محمدبن عبدالله، که می‌فرماید: «لا تصلح عوام هذه الأمة الا بخواصها قيل يا رسول الله و من خواصها قال العلماء»؛ اول علما را ذکر کرد، بعد چند دسته‌ی دیگر را. بنابراین اساتید دانشگاه، فرزنانگان و نخبگان علمی در هر کشوری می‌توانند سررشته‌دار حرکت مردم شوند؛ البته به شرط اخلاص، به شرط شجاعت، به شرط نترسیدن از دشمنان. اگر ترس آمد، اگر غفلت آمد، اگر غفلت آمد، اگر تنبلی آمد، کار خراب خواهد شد. اگر ترس نبود، شجاعت بود، اگر طمع نبود، اگر غفلت نبود، هوشیاری و بیداری بود، آن وقت کار درست خواهد شد.

اوائل انقلاب، سی و یکی دو سال قبل از این، در یک قضیه‌ی بسیار مهمی، من و دو نفر دیگر که آن روز عضو شورای انقلاب

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	شخصیت برجسته علامه قطب شیرازی را به‌عنوان الگوهایی برای نسل جوان امروز ما معرفی کنید	دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت علامه قطب‌الدین شیرازی	حالا همین قطب شیرازی، ایشان علامه‌ی شیرازی است، یعنی به‌عنوان علامه شناخته می‌شود، به‌خاطر همین که در فنون مختلف [متخصّص بوده]؛ به هر حال سعی کنید این شخصیت‌های برجسته را به‌عنوان الگوهایی برای نسل جوان امروز ما معرفی کنید که جوان امروز بداند که می‌تواند الگویی این باشد. هیچ لزومی ندارد که ما یک شخصیت را از اعماق تاریکی‌های قرون وسطای اروپا بکشیم بیرون، او را به‌عنوان یک شخصیت معرفی کنیم. اینها [الگو] هستند.



بودیم، از تهران رفتیم قم خدمت امام - امام آن وقت هنوز در قم بودند، تهران نیامده بودند - تا نظر ایشان را نسبت به آن قضیه و اقدام مهم بپرسیم. وقتی قضیه را برای ایشان شرح دادیم، امام رو کردند به ما، گفتند از آمریکا می ترسید؟ گفتیم نه. گفتند پس بروید اقدام کنید. ما هم آمدیم اقدام کردیم و موفق شدیم. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر گرایش های انحرافی پا در میان گذاشت، کارها مشکل خواهد شد.

ب) جایگاه بیداری اسلامی در دنیا و ضرورت آسیب شناسی، تبیین اهداف و مسائل آن

۱. امروز دنیا با حادثه عظیم بیداری اسلامی مواجه است؛ بیداری وارد امت اسلامی شده و در بعضی کشورها به انقلاب تبدیل شده است

امروز دنیا با یک حادثه‌ی عظیم مواجه است؛ این حادثه‌ی عظیم عبارت است از بیداری اسلامی؛ این یک حقیقت است. ملت های مسلمان و امت اسلامی بتدریج بیدار شده‌اند. امروز دیگر تسلط بر ملت های مسلمان، به آسانی بعد از جنگ اول جهانی و در دورانه‌ی طولانی قرن نوزدهم و بیستم میلادی نیست. امروز اگر مستکبرین عالم بخواهند بر ملت های مسلمان مسلط شوند، کار دشواری دارند. بیداری وارد امت اسلامی شده و رسوخ و نفوذ کرده است. در بعضی از کشورها هم این بیداری به انقلاب تبدیل شد و رژیم های فاسد و وابسته را تغییر داد. لیکن این، بخشی از بیداری اسلامی است؛ همه‌ی بیداری اسلامی نیست. بیداری اسلامی گسترده است، عمیق است.

۱,۱. دشمنان از کلمه «بیداری اسلامی» می ترسند؛ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود بروز و ظهور پیدا می کند، تن اینها می لرزد

البته دشمنان از کلمه‌ی «بیداری اسلامی» می ترسند؛ سعی می کنند عنوان «بیداری اسلامی» برای این حرکت عظیم به کار نرود. چرا؟ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود، در قواره‌ی واقعی خود بروز و ظهور پیدا می کند، تن اینها می لرزد. اینها از اسلام برده‌ی دلار نمی ترسند؛ از اسلام غرق در فساد و اشرافیگری نمی ترسند؛ از اسم اسلامی که امتداد و انتهایی در عمل و در توده‌ی مردم نداشته باشد، نمی ترسند؛ اما از اسلام عمل، اسلام اقدام، اسلام توده‌ی مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حسن ظن به وعد الهی که فرمود: «و لینصرن الله من ینصره»^۱ می ترسند. وقتی اسم این اسلام می آید، نشانی از این اسلام پیدا می شود، مستکبرین عالم به خودشان می لرزند - «کأنهم حمر مستنفره، فرّت من قسورة»^۲ - لذا نمی خواهند عنوان بیداری اسلامی باشد. ولی ما معتقدیم نخیر، این یک بیداری اسلامی است، بیداری حقیقی است، و رسوخ پیدا کرده است، امتداد پیدا کرده است، به این آسانی‌ها هم دشمنان نمی توانند آن را از راه خودش منحرف کنند.

۲,۱. نقش اسلام گراها در اسقاط نظام های فاسد، اقوی شاهد بر اسلامی بودن حرکت است؛ در رای دادن هم مردم سراغ اسلام گراها رفتند

البته باید آسیب شناسی کرد؛ این آن نکته‌ی اولی است که می خواهیم به شما عرض کنم. این حرکت های دنیای اسلام را، این انقلاب هایی که در مصر و تونس و لیبی و امثال اینها اتفاق افتاده است و به پیروزی رسیده است، آسیب شناسی کنید؛ خطراتش چیست؟ مشکلاتش کجاست؟ چرا می گوییم آنچه که اتفاق افتاده است، قطعاً اسلامی است؟ شعارهای مردم را نگاه کنید؛ در طول این مدت، نقش معتقدان به اسلام را در اسقاط رژیم های فاسد ببینید. اگر معتقدین به اسلام و جمعیت های عظیمی که در بین مردم جایگاه دارند و از بن دندان معتقد به اسلامند، نبودند، این اجتماعات عظیم در مصر و تونس تشکیل نمی شد. فشاری که حرکت مردم و حضور توده‌ی مردم آورد، بناهای پوسیده‌ی امثال حسنی مبارک و بن علی را ساقط کرد. مردم مسلمان بودند با شعار اسلامی.

نقش اسلام گراها در اسقاط این نظام ها خودش اقوی شاهد است برای اینکه این حرکت، حرکت اسلامی است. بعد هم در هر جا نوبت رای دادن فرا رسید، مردم رفتند سراغ اسلام گراها؛ آنها را تقویت کردند، آنها را ترجیح دادند. و من به شما عرض بکنم؛ امروز تقریباً در سرتاسر دنیای اسلام - ممکن است معدودی استثناء داشته باشد - اگر یک انتخابات خوب آزادی برگزار شود و رهبران مسلمان و سیاسیون مسلمان وسط میدان باشند، مردم به آنها رای خواهند داد. همه جا همین جور است. بنابراین بلاشک حرکت، حرکت اسلامی است.

۲. انقلاب های بیداری اسلامی را آسیب شناسی کنید و اهداف آنها را تبیین کنید؛ اگر هدف ها تبیین نشد، سردرگمی به وجود می آید

خب، گفتیم آسیب شناسی کنید. در کنار آسیب شناسی‌ها، تبیین هدف هاست. اگر هدف ها تبیین نشد، سردرگمی به وجود می آید، آشفتگی به وجود می آید. باید هدف ها تبیین شود.

۱,۲. یکی از مهمترین هدف های این بیداری، رهایی از شرّ سلطه استکبار جهانی است؛ این را باید صریح گفت

یکی از مهمترین هدف های این بیداری، رهائی از شرّ سلطه‌ی استکبار جهانی است؛ این را باید صریح گفت. اینکه ما خیال کنیم استکبار جهانی به سرمداری آمریکا، در مقابل حرکت های اسلامی ممکن است کنار بیاید، این خطاست. اگر اسلام باشد، اسلامیت باشد، اسلامی‌ها باشند، آمریکا با همه‌ی وجود تلاش می کند آن ها را از بین ببرد؛ البته ظاهراً لبخند خواهد زد. حرکت های اسلامی چاره‌ای ندارند، باید حد فاصل خودشان را مشخص کنند. نمی گویم بروند به جنگ آمریکا، می گویم بدانند موضع آمریکا و استکبار غربی در مقابل آن ها چیست؛ این را درست تشخیص دهند. اگر این تشخیص را ندهند، قطعاً فریب خواهند خورد و سرشان کلاه خواهد رفت.

۱,۱,۲. امروز استکبار جهانی در خلأ فکر و اندیشه راهنما قرار داد؛ اما شما اسلام دارید؛ وقتی فکر و نقشه‌ی راه داریم، می توانیم

بایستیم

امروز استکبار جهانی با ابزار پول و سلاح و علم دارد بر دنیا فرمانروایی می کند؛ اما در خلأ فکر قرار دارد، در خلأ اندیشه‌ی راهنما قرار



داد. امروز استکبار جهانی این مشکل بزرگ را دارد؛ فکری ندارد که به بشریت ارائه دهد؛ هیچ ایده‌ای ندارد برای ارائه کردن و راه نشان دادن به توده‌های مردم، به خواص مردم، به روشنفکران. اما شما دارید؛ شما اسلام را دارید. وقتی فکر داریم، وقتی نقشه‌ی راه داریم، می‌توانیم هدف هامان را ترسیم کنیم، می‌توانیم بایستیم؛ در این صورت سلاح آن‌ها و علم آنها و پول آن‌ها، آن تأثیری را که در گذشته داشت، نخواهد داشت؛ البته نه اینکه بی‌تأثیر است. ما باید در مقابل آنها هم فکر کنیم - که حالا اگر وقت باشد، خواهیم گفت - لیکن در درجه‌ی اول این است که ما فکر و نقشه‌ی راه و ایدئولوژی داشته باشیم؛ بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم.

۲،۲. یکی از هدف‌های مهمی که در انقلاب‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود؛ اسلام باید محور باشد

هدف‌ها باید ترسیم شود. یکی از هدف‌های مهمی که در این انقلاب‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود. اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. سعی کردند وانمود کنند که شریعت اسلامی با پیشرفت و تحول و تمدن و اینها سازگار نیست. این، حرف دشمن است؛ نخیر، کاملاً سازگار است. البته در دنیای اسلام کم نیستند کسانی که با روحیه‌ی تحجر و ارتجاع و جمود و عدم قدرت اجتهاد توانسته‌اند این حرف دشمن را به نحوی تبیین و اثبات کنند. اینها مسلمانند، اما در خدمت آنهایند.

ما در اطراف خودمان، در برخی از این کشورهای اسلامی، از این قبیل داریم؛ اسم‌شان مسلمان است، اما یک ذره فکر نو، نگاه نو، فهم نو از معارف اسلامی، انسان در آنها مشاهده نمی‌کند. اسلام مال همیشه‌ی دنیاست، اسلام مال همه‌ی قرن‌هاست، اسلام مال همه‌ی دوران‌های پیشرفت بشری است؛ جوابگوست. آن فکری که بتواند پاسخگویی اسلام را به این نیازها بفهمد، باید آن را پیدا کرد. بعضی‌ها این فکر را ندارند؛ فقط بلدند این را تکفیر کنند، آن را تفسیق کنند، اسم خودشان را هم مسلمان بگذارند. در نهایت هم یک وقت‌هایی انسان می‌بیند که در یک مواردی سرشان با سر مزدوران دشمن در یک آخور است! شریعت اسلامی را و فکر اسلامی را محور فعالیت خودمان قرار بدهیم؛ این هم یکی از هدف‌هاست.

۳،۲. یکی دیگر از هدف‌ها، نظام‌سازی است؛ اگر در کشورهایی که انقلاب کردند نظام‌سازی نشود، آنها را خطر تهدید می‌کند

یکی دیگر از هدف‌ها، نظام‌سازی است. اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی نشود، آن‌ها را خطر تهدید می‌کند. در همین کشورهای شمال آفریقا ما یک تجربه‌ای داریم مربوط به شصت هفتاد سال پیش؛ اواسط قرن بیستم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار - در جاهای دیگر هم همین طور - اما نتوانستند نظام‌سازی کنند؛ نظام‌سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلاب‌ها از بین رفت، بلکه حتی آن کسانی که به نام آن انقلاب‌ها سر کار آمده بودند، خودشان از این رو به آن رو شدند، صد و هشتاد درجه جایشان را عوض کردند؛ خودشان هم خراب شدند. هم در تونس این اتفاق افتاد، هم در مصر این اتفاق افتاد، هم در سودان آن روز این اتفاق افتاد.

حدوداً در سالهای ۱۳۴۳ یا ۱۳۴۴ یا ۱۳۴۵، من و چند نفر از دوستان در مشهد رادیوی صوت‌العرب را گرفته بودیم و گوش می

کردیم - که صوت‌العرب مصر از قاهره پخش می‌شد - آنجا سخنرانی جمال عبدالناصر و معمر قذافی و جعفر نمیری را که هر سه در یک جا جمع شده بودند، با هم پخش می‌کرد. ما در مشهد زیر فشار استبداد و دیکتاتوری له می‌شدیم، اما از این حرف‌های تند و آتشین به هیجان می‌آمدیم و لذت می‌بردیم. خب، عبدالناصر که از دنیا رفت، دیدید جانشین‌هایش چه کردند؛ قذافی هم دیدید چه جوری شد؛ نمیری هم که وضعش معلوم بود چه جوری شد. خود آن انقلاب‌ها هم عوض شدند؛ هم فکر نداشتند، هم نتوانستند نظام‌سازی کنند. باید در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی شود؛ باید یک قاعده‌ی مستحکمی به وجود بیاید. این هم یکی از مسائل مهم است.

۴،۲. یکی دیگر از مسائل مهم، حفظ پشتیبانی‌های مردمی است؛ نباید از مردم منقطع شوند؛ قدرت حقیقی در اختیار مردم است

یکی دیگر از مسائل مهم، حفظ پشتیبانی‌های مردمی است؛ نباید از مردم منقطع شوند. مردم توقعاتی دارند، نیازهایی دارند. قدرت حقیقی هم در اختیار مردم است. آنجائی که مردم اجتماع می‌کنند، آنجایی که مردم همدل می‌شوند، آنجایی که یک مردم همدل و همجهتی پشت سر مسوولان و رهبران کشور می‌ایستند، آنجا جایی است که آمریکا و بزرگتر از آمریکا هم هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. مردم را باید حفظ کرد، باید نگه داشت؛ و این از عهده‌ی شماها برمی‌آید؛ از عهده‌ی روشنفکران، نویسندگان، شاعران، علمای دین. از همه مؤثرتر، علمای دین هستند که وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند؛ برای مردم تبیین کنند، روشن کنند که چه می‌خواهند، تبیین کنند که در کجای این راه قرار دارند، تبیین کنند که موانع چیست، دشمن کیست؛ مردم را آگاه و با بصیرت نگه دارند، آن وقت هیچ صدمه‌ای نمی‌تواند وارد شود.

۵،۲. یک مساله‌ی دیگر، تربیت علمی جوانهاست؛ باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند

یک مساله‌ی دیگر، تربیت علمی جوان‌هاست. باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم نتوانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خبثات و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود: «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»^۳. باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه‌ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه‌ی قوی هستند، دست شما را می‌پیچانند.

جوان‌هاتان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب در ردیف‌های آخرِ آخرِ علمی دنیا قرار داشتیم، که هیچ‌نگاهی به طرف ما جلب نمی‌شد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی می‌کنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه‌ی شانزدهم دنیاست. این مال چند ماه قبل از این است. خود آن مراکز که این بیان را کردند، پیش‌بینی کردند و گفتند تا چند سال دیگر - معین کردند تا چه سالی؛ مثلاً تا ده سال، دوازده سال دیگر - ایران به رتبه‌ی تک‌رقمی خواهد رسید؛ آنها گفتند چهارم در دنیا. این به این خاطر است که شتاب علمی در ایران، شتاب زیادی است. البته ما از دنیا هنوز خیلی عقبیم. شتاب ما چندین برابر متوسط شتاب دنیاست، اما باز عقبیم. اگر با این شتاب پیش برویم، به جلو خواهیم رسید. این حرکت در دنیای اسلام باید ادامه پیدا کند. کشورهای اسلامی دارای استعدادند. جوان‌های خوبی داریم، جوان



های خوبی دارید؛ استعدادهای خوبی هستند. یک روز در بخشی از تاریخ، علم دنیا دست ما مسلمان ها بوده؛ چرا امروز اینجور نشود؟ چرا توقع و انتظار نداشته باشیم که تا سی سال دیگر دنیای اسلام بشود مرجع علمی دنیا، که همه برای مسائل علمی به کشورهای اسلامی مراجعه کنند؟ این آینده‌ی ممکن است؛ همت کنیم، تلاش کنیم. اینها همه‌اش به برکت اسلام و به برکت انقلاب پیش می‌آید. نظام دینی اثبات کرد که می‌تواند سرعت و شتاب بیشتری داشته باشد.

۶,۲. یک مسالهی اساسی دیگر، وحدت است؛ ابزاری که دشمنان ما دارند حداکثر استفاده را از آن می‌کنند، اختلافات است

یک مسالهی اساسی دیگر - که نزدیک ظهر است، وقت نماز است و باید برویم - مسالهی وحدت است. امروز به شما عرض کنم: برادران! خواهران! ابزاری که در دست دشمنان ما می‌تواند فعال شود و از آن حداکثر استفاده را دارند می‌کنند، اختلافات است؛ اختلاف شیعه و سنی، اختلاف قومیت‌ها، اختلاف ملیت‌ها، تفاخرهای غلط. مسالهی شیعه و سنی را دارند بزرگ می‌کنند، سعی شان این است اختلاف ایجاد کنند. می‌بینید در کشورهای اسلامی، در همین کشورهای انقلاب کرده، اختلاف ایجاد می‌کنند؛ در نقاط دیگر دنیای اسلام اختلاف ایجاد می‌کنند؛ همه باید بیدار باشند، همه باید هوشیار باشند. غرب و آمریکا دشمن دنیای اسلام است؛ با این چشم باید به حرکات آنها نگاه کرد. تحریک می‌کنند، سازمان‌های جاسوسی‌شان مشغول فعالیتند؛ هرجا دست‌شان برسد، تخریب می‌کنند. در قضیه‌ی فلسطین تا آنجایی که توانستند، کارشکنی کردند؛ البته شکست خوردند. ما داریم پیش می‌رویم، دنیای اسلام دارد پیش می‌رود.

ج) اشاره ای به جنگ اخیر غزه و مسائل بحرین و سوریه

۱. آفرین بر حماس و جهاد و گردان‌های مبارزی که در غزه جنگیدند و شجاعت نشان دادند! صبر کردند و خدای متعال فرج را رساند

این مسالهی اخیر فلسطین، خیلی مسئله‌ی مهمی است. بین غزه و بین دولت صهیونیست که مدعی است قوی‌ترین ارتش را در منطقه دارد، هشت روز جنگ اتفاق می‌افتد؛ آنگاه وقتی می‌خواهند آتش‌بس ایجاد کنند، آن طرفی که برای آتش‌بس شرط می‌گذارد، فلسطینی‌ها نیستند! این باورکردنی است؟ ده سال پیش اگر به شما این حرف را می‌زدند، چه کسی باور می‌کرد که یک روزی بین فلسطینی‌ها - نه همه‌ی فلسطینی‌ها؛ یک گوشه‌ای از فلسطینی‌ها، غزه - و بین رژیم صهیونیستی جنگی اتفاق بیفتد، برای آتش‌بس آن جنگ، فلسطینی‌ها شرط بگذارند؟ آفرین بر فلسطینی‌ها! آفرین! آفرین بر حماس و جهاد و گردان‌های مبارزی که در فلسطین، در غزه جنگیدند و شجاعت نشان دادند! شجاعت این است. من به سهم خودم از همه‌ی مبارزین فلسطین تشکر می‌کنم؛ به خاطر فداکاری‌ای که کردند، به خاطر تلاشی که کردند، به خاطر صبوری که کردند، و دیدند که «انّ مع العسر یسری»^۴.

اگر چنانچه ما صبر کردیم، این صبر موجب می‌شود که خدای متعال فرج را برساند. صبر کردند، ایستادگی کردند، خدای متعال فرج را رساند؛ این درس است؛ برای خود آنها هم درس است، برای دیگران هم درس است. این وحدت بین مسلمان‌ها را دست کم نگیرید؛ مسالهی مهمی است.

۲. سکوت دنیای اسلام نسبت به بحرین درست است؛ آنچه که موجب می‌شود بعضی‌ها سکوت کنند، مسائل مذهبی است این نکته‌ای که برادر بحرینی ما اینجا گفتند - سکوت دنیای اسلام نسبت به بحرین - راست است. آنچه که موجب می‌شود بعضی‌ها در این زمینه سکوت کنند، متأسفانه همین مسائل مذهبی است. یعنی ملتی اگر بر علیه یک حکومت فاسدی قیام کرد، باید از آن ملت دفاع کرد؛ مگر اینکه آن ملت شیعه باشد - مثل بحرین - آن وقت نباید دفاع کرد! این منطق در بعضی وجود دارد. اینها را باید کنار گذاشت.

۳. دشمن را باید شناخت؛ ما با این نگاه در قضیه‌ی سوریه موضعگیری کردیم؛ کسانی که سوریه را به جنگ داخلی می‌کشاند، مقصردند

دشمن را باید شناخت، ابزارهای دشمن را باید شناخت، حیل‌های دشمن را باید شناخت؛ از کجا وارد میشود؟ ما با این نگاه در قضیه‌ی سوریه موضعگیری کردیم. ما با آمدن خون از بینی یک انسان مسلمان هم موافق نیستیم و دردمان می‌آید. ما می‌گوییم آن کسانی که سوریه را به جنگ داخلی دارند می‌کشاند، مقصردند. آن کسانی که سوریه را دارند به سمت تخریب و برادرکشی می‌کشاند و کشانده‌اند، مقصردند. همه‌ی خواسته‌های ملت‌ها باید از طرق متعارف، معمولی و بدون خشونت‌های اینجوری حل شود.

موخره

امیدواریم خدای متعال همه‌ی ما را هدایت کند. امیدواریم خداوند متعال به حرکات شماها برکت دهد. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال این بیداری‌های باعظمت دنیای اسلام را به آینده‌ی روشن و منور و پر برکتی برای امت اسلامی برساند. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

منابع

(۱) حج: ۴۰

(۲) مدثر: ۵۰ و ۵۱

(۳) شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹

(۴) شرح: ۶



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	انقلاب های منطقه را آسیب شناسی کنید	اساتید دانشگاه های جهان اسلام	البته باید آسیب شناسی کرد؛ این آن نکته ی اولی است که می خواهم به شما عرض کنم. این حرکت های دنیای اسلام را، این انقلاب هایی که در مصر و تونس و لیبی و امثال اینها اتفاق افتاده است و به پیروزی رسیده است، آسیب شناسی کنید؛ خطراتش چیست؟ مشکلاتش کجاست؟
۲	اهداف انقلاب های منطقه را تبیین کنید	اساتید دانشگاه های جهان اسلام	گفتم آسیب شناسی کنید. در کنار آسیب شناسی ها، تبیین هدف هاست. اگر هدف ها تبیین نشد، سردرگمی به وجود می آید، آشفتگی به وجود می آید. باید هدف ها تبیین شود.
۳	هدف رهائی از شر سلطه ی استکبار جهانی را به عنوان هدف صریحا اعلام کنید و حد فاصل خود را با استکبار جهانی مشخص نمایید	رهبران حرکت های اسلامی و انقلاب های منطقه	یکی از مهمترین هدف های این بیداری، رهائی از شر سلطه ی استکبار جهانی است؛ این را باید صریح گفت. اینکه ما خیال کنیم استکبار جهانی به سردمداری آمریکا، در مقابل حرکت های اسلامی ممکن است کنار بیاید، این خطاست. اگر اسلام باشد، اسلامیت باشد، اسلامی ها باشند، آمریکا با همه ی وجود تلاش می کند آن ها را از بین ببرد؛ البته ظاهراً لبخند خواهد زد. حرکت های اسلامی چاره ای ندارند، باید حد فاصل خودشان را مشخص کنند. نمی گویم بروند به جنگ آمریکا، می گویم بدانند موضع آمریکا و استکبار غربی در مقابل آن ها چیست؛ این را درست تشخیص دهند. اگر این تشخیص را ندهند، قطعاً فریب خواهند خورد و سرشان کلاه خواهد رفت.

۴	اسلام باید محور انقلاب های منطقه باشد	اساتید دانشگاه های جهان اسلام و رهبران انقلاب های منطقه	هدف ها [ی انقلاب های منطقه] باید ترسیم شود. یکی از هدف های مهمی که در این انقلاب ها باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود. اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد
۵	در کشورهایی که انقلاب شده، نظام سازی کنید	اساتید دانشگاه های جهان اسلام و رهبران انقلاب های منطقه	یکی دیگر از هدف ها [ی انقلاب های منطقه]، نظام سازی است. اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام سازی نشود، آنها را خطر تهدید می کند... باید در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام سازی شود؛ باید یک قاعده ی مستحکمی به وجود بیاید. این هم یکی از مسائل مهم است.
۶	مردم را باید حفظ کرد، نباید از مردم منقطع شد	روشنفکران، نویسندگان، شاعران و علمای دین در کشورهای انقلاب کرده منطقه	یکی دیگر از مسائل مهم، حفظ پشتیبانی های مردمی است؛ نباید از مردم منقطع شوند. مردم توقعاتی دارند، نیازهایی دارند. قدرت حقیقی هم در اختیار مردم است. آنجائی که مردم اجتماع می کنند، آنجایی که مردم همدل می شوند، آنجایی که یک مردم همدل و همجهتی پشت سر مسئولان و رهبران کشور می ایستند، آنجا جایی است که آمریکا و بزرگتر از آمریکا هم هیچ غلطی نمی توانند بکنند. مردم را باید حفظ کرد، باید نگه داشت؛ و این از عهده ی شماها برمی آید؛ از عهده ی روشنفکران، نویسندگان، شاعران، علمای دین. از همه مؤثرتر، علمای دین هستند که وظیفه ی سنگینی بر عهده دارند؛ برای مردم تبیین کنند، روشن کنند که چه می خواهند، تبیین کنند که در کجای این راه قرار دارند، تبیین کنند که موانع چیست، دشمن کیست؛ مردم را آگاه و بابسیرت نگه دارند، آن وقت هیچ صدمه ای نمی تواند وارد شود.



۷	باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند	اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و رهبران انقلاب های منطقه	<p>یک مساله‌ی دیگر، تربیت علمی جوان هاست. باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند... کشورهای اسلامی دارای استعدادند. جوان های خوبی داریم، جوان های خوبی دارید؛ استعدادهای خوبی هستند. یک روز در بخشی از تاریخ، علم دنیا دست ما مسلمان ها بوده؛ چرا امروز اینجور نشود؟ چرا توقع و انتظار نداشته باشیم که تا سی سال دیگر دنیای اسلام بشود مرجع علمی دنیا، که همه برای مسائل علمی به کشورهای اسلامی مراجعه کنند؟ این آینده‌ی ممکن است؛ همت کنیم، تلاش کنیم. اینها همه‌اش به برکت اسلام و به برکت انقلاب پیش می‌آید. نظام دینی اثبات کرد که می‌تواند سرعت و شتاب بیشتری داشته باشد.</p>
۸	وحدت را حفظ کنید و از ؛ اختلاف شیعه و سنی، اختلاف قومیت ها، اختلاف ملیت ها و تفاخرهای غلط دوری کنید	اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و رهبران انقلاب های منطقه	<p>یک مساله‌ی اساسی دیگر... مساله‌ی وحدت است. امروز به شما عرض کنم: برادران! خواهران! ابزاری که در دست دشمنان ما می‌تواند فعال شود و از آن حداکثر استفاده را دارند می‌کنند، اختلافات است؛ اختلاف شیعه و سنی، اختلاف قومیت ها، اختلاف ملیت ها، تفاخرهای غلط. مساله‌ی شیعه و سنی را دارند بزرگ می‌کنند، سعی شان این است اختلاف ایجاد کنند... این نکته‌ای که برادر بحرینی ما اینجا گفتند - سکوت دنیای اسلام نسبت به بحرین - راست است. آنچه که موجب می‌شود بعضی‌ها در این زمینه سکوت کنند، متأسفانه همین مسائل مذهبی است. یعنی ملتی اگر بر علیه یک حکومت فاسدی قیام کرد، باید از آن ملت دفاع کرد؛ مگر اینکه آن ملت شیعه باشد - مثل بحرین - آن وقت نباید دفاع کرد! این منطق در بعضی وجود دارد. اینها را باید کنار گذاشت.</p>



۹	باید دشمن، ابزارهای دشمن و حيله های وی را شناخت	اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و رهبران انقلاب های منطقه	<p>دشمن را باید شناخت، ابزارهای دشمن را باید شناخت، حيله‌های دشمن را باید شناخت؛ از کجا وارد می‌شود؟ ما با این نگاه در قضیه‌ی سوریه موضعگیری کردیم. ما با آمدن خون از بینی یک انسان مسلمان هم موافق نیستیم و دردمان می‌آید. ما می‌گوییم آن کسانی که سوریه را به جنگ داخلی دارند می‌کشاند، مقصرنند. آن کسانی که سوریه را دارند به سمت تخریب و برادرکشی می‌کشاند و کشانده‌اند، مقصرنند. همه‌ی خواسته‌های ملت‌ها باید از طرق متعارف، معمولی و بدون خشونت های اینجوری حل شود.</p>
---	---	---	---



امام عزیزتر از جانم:

mazandaran

تو تنها فرمانده کل قوانستی
بلکه فرمانده کل قلبهایی

